

چکیده

در سالهای اخیر، هم سویی آشکاری میان راهبردهای اقتصادی و تجاری اردن با سیاست خارجی این کشور مشاهده می شود که نشانگر تلاش نخبگان سیاسی اردن برای هم گرایی بیشتر با نظام بین الملل است. بررسی زمینه های این هم گرایی، با توجه به آمارها و شاخصهای عینی، مورد توجه مقاله حاضر قرار گرفته است. بر این اساس، اقداماتی چون اصلاح ساختارهای اقتصادی، اتخاذ سیاستهای معطوف به اقتصاد بازار و خصوصی سازی، انعقاد موافقت نامه های تجاری آزاد با آمریکا و اروپا و حمایت از سرمایه گذاری خارجی ضمن آنکه رشد برخی شاخصهای اقتصادی و تجاری را به دنبال داشته است، به نوبه خود، موجب توسعه روابط با کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده شده است. از این دیدگاه، به نظر می رسد که سیاست خارجی اردن در سالهای آتی هم در جهت نزدیکی بیشتر به غرب و فعالیت در چارچوب قواعد نظام بین الملل عمل خواهد کرد. از این رو، سیاستها و برنامه های اقتصادی و تجاری اردن نیز با راهبرد سیاست خارجی آن هم سو خواهد بود.

کلیدواژه ها: سیاست خارجی اردن، تجارت خارجی، رشد اقتصادی،

سرمایه گذاری، هم گرایی، سازمان تجارت جهانی

* کارشناس ارشد اداره خاورمیانه عربی و شمال آفریقای سازمان توسعه تجارت ایران
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، صص ۵۵ - ۸۸

سرزمین اردن به دلیل اهمیت راهبردی آن در منطقه خاورمیانه در طول سه قرن (۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ قبل از میلاد) جولانگاه تاخت و تازهای نیروهای بیگانه و همسایگان خود بوده است. حمله پادشاهان یهودی به دلیل مخالفت ادومیان (ساکنان جنوب اردن) با پناهندگی یهودیان فراری از سرزمین بابل به این کشور، حمله دولت آشوری به منظور توسعه سرزمینهای تحت اقتدار خود، و اشغال آن توسط ایرانیان، ویرانی این کشور در طول جنگهای ایران و روم در قرن ۱۶ میلادی و لطمات شدیدی که بر ساکنان این سرزمین در طول جنگهای طبیعی و تسلط امپراتوری عثمانی بر آن وارد شد و نمونه‌هایی از این قبیل، تحولات بزرگی است که اردن در تاریخ خود تجربه کرده است. با سقوط امپراتوری عثمانی و روی کار آمدن ملک عبدالله و خاندان هاشمی - به کمک بریتانیا - در این کشور، دوره جدیدی از تاریخ آغاز شد و از آن زمان تاکنون اردن با فراز و نشیبهای مختلفی در سیاست داخلی و خارجی خود مواجه شده است، با این وجود در سالهای اخیر با روی کار آمدن ملک عبدالله دوم، این کشور با اتخاذ راهبردهای سیاسی و اقتصادی - تجاری خارجی جدید و برقراری هم‌گرایی میان این راهبردها دوره دیگری از روند تحول تاریخی خود را آغاز نموده است.

در نوشته حاضر تلاش می‌شود زمینه‌ها و راهکارهای هم‌گرایی میان راهبردهای اقتصادی - تجاری خارجی اردن با سیاست خارجی جدید این کشور مورد بررسی قرار گیرد و به این پرسش که راهبردهای اقتصادی - تجاری و سیاست خارجی اردن در سالهای اخیر تا چه میزان با هم هماهنگ بوده‌اند، پاسخی مبتنی بر واقعیات ملموس و شاخصهای عینی ارائه گردد. فرضیه اصلی مقاله این است که، دولتمردان اردنی در سالهای اخیر متأثر از نیازهای داخلی و تحولات و دگرگونیهای نظام بین‌المللی، به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با اتخاذ سیاست خارجی متمایل به غرب و به‌ویژه آمریکا در منطقه خاورمیانه از یک سو، و اتخاذ سیاستهای اقتصادی و تجاری هم‌جهت از سوی دیگر به‌ویژه از طریق خط‌مشی‌هایی چون: حرکت به سمت اقتصاد بازار؛ خصوصی‌سازی و آزادسازی در حوزه اقتصاد؛ اعمال سیاست

تعرفه‌ای جدید؛ کاهش و حذف موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای؛ انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد؛ ترجیحات تعرفه‌ای؛ مشارکت، همکاری و سرمایه‌گذاری متقابل خارجی؛ عضویت در سازمان جهانی تجارت و تعداد زیادی از اتحادیه‌ها و سازمانهای تخصصی اقتصادی - تجاری و اتخاذ سیاستهای مبتنی بر جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، ضمن دستیابی به رشد در برخی از شاخصهای اقتصادی و تجاری به سمت توسعه هماهنگ روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری خارجی و هم‌گرایی بیشتر با نظام بین‌الملل گام برداشته‌اند.

به این منظور در دو قسمت، ابتدا ویژگیها و تحولات سیاست خارجی اردن در سالهای اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس برنامه‌ها، سیاستها و روابط اقتصادی - تجاری خارجی اردن در چند سال اخیر، ویژگیها، گرایش، تحولات و برخی شاخصهای عمده این کشور در حوزه اقتصاد و تجارت خارجی نظیر رشد تولید ناخالص داخلی، خطر سیاسی و همچنین میزان و میانگین رشد تجارت خارجی و توزیع جغرافیایی صادرات و واردات و شرکای عمده تجاری، جهت‌گیری و تحولات سیاستها و مقررات تجاری از جمله چگونگی تغییرات در موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و میزان موافقت‌نامه‌های دوجانبه و منطقه‌ای و تحولات در قوانین سرمایه‌گذاری این کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

جهت‌گیری سیاست خارجی اردن و تحولات آن

جهت‌گیری کلی سیاست خارجی اردن به دلیل مقاومت و عدم تمکین حکومت این کشور در برابر فشارهایی که از ناحیه اعراب داخل و خارج کشور وارد می‌شد، از دیرباز (۱۹۴۸) متمایل به غرب شده و در مقایسه با بیشتر کشورهای عرب همسایه، سازگاری و آشتی‌پذیری بیشتری در مقابل اسرائیل نشان داده است. روابط این کشور با سایر کشورهای عربی به دنبال درگیریهای سخت نیروهای ملک حسین با سازمان آزادی‌بخش فلسطین و کشتار فلسطینی‌ها در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ آشکارا افول کرد و به پایین‌ترین حد خود رسید. با وساطت ملک فیصل، پادشاه وقت عربستان سعودی، روابط دیگر بار تا حدودی ترمیم شد و با امضای قطعنامه

کنفرانس رباط (سال ۱۹۷۴) توسط سران کشورهای عربی و شاه حسین که در آن به حقوق مردم فلسطین در بازگشت به میهن خود، تعیین سرنوشت آنان و برقراری یک حکومت ملی تحت رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین در هر قسمت از فلسطین که آزاد شود و همچنین پشتیبانی از سازمان آزادی بخش فلسطین تأکید شده بود، موجب شد که دولت اردن بابه رسمیت شناختن "ساف" به عنوان تنها نماینده فلسطینیان از ادعای خود بر ساحل غربی و دیگر نقاط فلسطین دست بردارد و روابط خود را با دولتهای عربی به حالت عادی برگرداند. روی هم رفته به لحاظ نحوه رفتار با فداییان فلسطینی، روابط اردن با عربستان سعودی و سایر رژیمهای سلطنتی خاورمیانه به مراتب از روابط این کشور با جمهوریهای تندرو و چپ‌گرای عرب همچون لیبی و سوریه صمیمانه‌تر بوده است. این کشور از سال ۱۹۷۳ بار دیگر به کانون و بستر اصلی سیاستهای عربی بازگشت و روابط دیپلماتیک آن با مصر و سوریه برقرار شد. با انعقاد معاهده‌ای در سال ۱۹۷۵ روابط ویژه‌ای با انگلیس برقرار نمود که بر اساس آن، پایگاههای هوایی موسوم به H4 و H5 را در اختیار انگلیس قرار داد. آمریکانیز برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ با اردن روابط دیپلماتیک برقرار نمود و از سال ۱۹۵۱ کمکهای خود را به این کشور آغاز کرد و در سال ۱۹۵۷ به عنوان کمک‌دهنده اصلی به آن، جانشین انگلیس گردید. روابط دیپلماتیک شوروی سابق نیز با اردن در سطحی صرفاً صوری و تشریفاتی از سال ۱۹۶۳ آغاز گردید و بعد از فروپاشی شوروی این سطح روابط همچنان باقی ماند و بهبودی چندانی در آن حاصل نشد.^۱ شایان ذکر است که یکی از علل اصلی موافقت دولت اردن برای امضای پیمان صلح با دولت اسرائیل این بود که بدهیهای خارجی این کشور، مشکل بیکاری و قطع کمکهای اقتصادی کشورهای عربی و غربی به خصوص آمریکا، فشار سنگینی بر مردم این کشور وارد آورده بود.^۲

اردن و صلح کمپ دیوید

یکی از نقاط عطف سیاست خارجی اردن، نقش این کشور در جریان ماجرای صلح کمپ دیوید است. در واقع، در جریان سفر رییس جمهور وقت مصر (انور سادات) به اسرائیل و ماجرای صلح کمپ دیوید، اردن که مایل نبود این ابتکار از سوی انور سادات را محکوم کند و از سوی دیگر نمی خواست روابطش با سوریه را که به دشواری اندکی بهبود یافته بود بار دیگر تیره کند، در بحث و جدلهای کشورهای عربی، بی طرفی اختیار کرد و کوشید تا بین مصر از یک سو و کشورهای جبهه «امتناع»- جبهه پایداری عربی (الجزایر، عراق، سوریه و جمهوری دموکراتیک خلق یمن)- از سوی دیگر نقش آشتی دهنده را ایفا کند.

اردن پس از تشکیل کنفرانس کمپ دیوید به رغم اصرار آمریکا، از الحاق به موافقت نامه های کمپ دیوید خودداری نمود و همراه سایر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس ۱۹۷۸ سران عرب در بغداد، در تنظیم فهرستی از مجازاتها علیه مصر مشارکت کرد. اردن در اعتراض به صلح کمپ دیوید از جمله اولین کشورهای بود که روابط دیپلماتیک خود را در آوریل ۱۹۷۹ با مصر قطع کرد و در مذاکرات همان سال شاه حسین و عرفات، در مورد تشکیل کمیته ای جهت هماهنگی مخالفت های خود با قرارداد صلح مصر و اسرائیل به اهداف مشترکی دست یافتند. با وجود این، در سال ۱۹۸۰ شاه حسین برای مذاکره در مورد اراضی اشغالی و مسئله خودمختاری فلسطینی ها، راهی آمریکا شد. وی در دیدار خود با کارتر خواستار رسیدگی به مسئله فلسطین در ابعادی وسیع تر از آنچه پیشتر طی موافقت نامه های کمپ دیوید پیش بینی شده بود، گردید. شاه حسین در این سفر به کارتر اطمینان داد که با ایجاد پایگاههای فداییان در خاک اردن مخالفت خواهد کرد. وی در عین حال خواستار خروج کامل اسرائیل از اراضی اشغالی گردید.^۲

بهبود روابط با مصر و سازش با اسرائیل (کمپ دیوید دوم)

ملک حسین در سال ۱۹۸۱ به هنگام دیدار از آمریکا، پشتیبانی خود را از طرح هشت ماده‌ای فهد اعلام داشت و در پی آن در همین سال، در کنفرانس سران عرب در فاس مراکش که در آن طرح صلحی بر پایه طرح فهد به تصویب رسید، شرکت کرد. ملک حسین همچنین طرحی را در مورد تحریم اقتصادی، نظامی و سیاسی اسرائیل تقدیم شورای امنیت کرد. در سپتامبر ۱۹۸۲ وزارت خارجه اردن با صدور بیانیه‌ای، طرح صلح ریگان را حاوی نکات مثبتی خواند و اعلام کرد که اعراب باید طرح مزبور را مورد تأمل و بررسی قرار دهند. طرح ریگان متضمن توقف ایجاد آبادیهای یهودی‌نشین در ساحل عربی و نوار غزه و ایجاد یک کشور اردنی - فلسطینی بود. از آغاز سال ۱۹۸۳ ملک حسین ابتکار عمل را در اجرای طرح صلح ریگان به دست گرفت و در چارچوب اجرای طرح، مسافرتها‌یی را به کشورهای عربی آغاز کرد. از سوی دیگر، در دسامبر ۱۹۸۳ اردن با امضای یک پروتکل اقتصادی با مصر، اولین گام را در راه بهبود روابط با این کشور برداشت و در واقع نخستین کشور از ۱۸ کشور عربی بود که پیوندهای خود را با مصر از سر گرفت؛ این حرکت از سوی کشورهای تندرو عرب محکوم شد. شاه اردن به منظور تنظیم یک راهبرد مشترک جهت احیای تلاشهایی که در راستای برقراری صلح در خاورمیانه بعد از نوامبر ۱۹۷۷ - که انور سادات طرح صلح با اسرائیل را تدارک دید - صورت گرفته بود، نخستین سفرش را به مصر در اواخر سال ۱۹۸۴ آغاز نمود و به دنبال آن در سپتامبر همان سال روابط دیپلماتیک دو کشور از سر گرفته شد. بدین ترتیب اردن به جمع کشورهای عمان، سودان و سومالی پیوست که با مصر روابط دیپلماتیک داشتند. بهبود روابط مصر و اردن، تیرگی بیشتر روابط سوریه و اردن را که از سال ۱۹۸۰ چندان دوستانه نبود، باعث گردید.

در ۱۵ آوریل ۱۹۸۵ کابینه جدید زیدالرفاعی با پنج وزیر فلسطینی تشکیل شد و وی اعلام کرد که بهبود روابط با سوریه را در دستور کار خویش قرار می‌دهد. در دسامبر همان سال رهبران اردن و سوریه برای اولین بار پس از امضای قرارداد کمپ دیوید، با یکدیگر دیدار

کردند. شاه حسین تلاش می کرد روابط عراق و سوریه را بهبود بخشد و این کشور را از حمایت ایران باز دارد. در ژوئیه ۱۹۸۷ ملاقاتهای محرمانه‌ای میان شاه حسین و وزیران خارجه و دفاع اسرائیل صورت گرفت و سرانجام رفت و آمدها و ملاقاتهای پنهانی دور ژیم در آمریکا و اسرائیل و سفرهای پیاپی مقامات آمریکایی به منطقه به سازش بین دو کشور و امضای توافق نامه ۱۹۹۴ منجر گردید که بیشتر کارشناسان امور خاورمیانه از آن به عنوان کمپ دیوید دوم یاد می کنند. امضای این موافقت نامه بدون شک در صفوف اعراب شکافی عمیق ایجاد نمود و به خصوص جبهه سوریه و لبنان را که طرفهای مهم مذاکرات محسوب می شدند، تضعیف نمود.^۴

بحران کویت و موضع اردن

اشغال کویت به وسیله عراق در دوم اوت ۱۹۹۰، دولت اردن را با فشارهای افکار عمومی در داخل کشور به نفع عراق مواجه ساخت. احساسات عمومی که به پشتیبانی از عراق برانگیخته شده بود، خواهان حمایت دولت از عراق بود. در اولین هفته بحران ۳۰ هزار کارگر اردنی که در عراق و کویت کار می کردند، به این کشور باز گشتند. این در حالی بود که شمار پناهندگان از کشورهای مصر و چند کشور دیگر به اردن از مرز ۶۵۰ هزار نفر گذشت که بیشتر آنان را کارگران تشکیل می دادند. اردن در مقابل خسارت وارده به این کشور بر اثر بحران، تقاضای ۲/۵ میلیارد دلار کمک مالی نمود که فقط کمتر از نیمی از این درخواست در اختیار این کشور قرار گرفت. دولت اردن هر چند مخالفت ظاهری خود را با اشغال کویت توسط عراق اعلام کرد، راه حل نظامی را برای حل این بحران مردود دانست و آن را مسئله‌ای عربی دانست که باید به وسیله خود اعراب حل شود. به همین منظور ملک حسین در ۱۴ اوت به آمریکا رفت. سفر وی به ظاهر برای متقاعد کردن آمریکا در عدم استفاده از نیروی نظامی برای حل بحران کویت صورت گرفت. با این وجود وی قول داد که قطعنامه ۶۶۱ شورای امنیت سازمان ملل نسبت به تحریم عراق را محترم شمارد.^۵

اردن، حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تحولات پس از آن

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ملک عبدالله طی پیامی به جورج بوش اقدامات تروریستی مذکور را محکوم نمود و آمادگی کشورش را برای پیوستن به یک ائتلاف ضد تروریستی اعلام داشت. پس از حمله آمریکا به افغانستان، سخنگوی دولت اردن باردیگر بر حمایت کشورش از تلاشهای بین المللی برای مبارزه با تروریسم تأکید کرد. در بحران عراق نیز اردن به دلیل اینکه دومین کشوری بود که از حمله آمریکا به عراق آسیب می دید، راینیهایی بسیاری برای حل مسالمت آمیز این بحران آغاز نمود، ولی پس از اطمینان از حمله آمریکا به عراق به اتخاذ تدابیر احتیاطی اقدام نمود که خرید شش فروند هواپیمای جنگی، استقرار سه فروند موشک پاتریوت و گرفتن تضمین های لازم جهت تامین نفت مورد نیاز از کویت و عربستان در این راستا بود. همچنین اردنی ها در این مقطع بر منافع راهبردی رابطه این کشور با آمریکا تأکید کردند و به رغم ادعاهایی مبنی بر رد درخواست آمریکایی ها بر اخراج دیپلماتهای عراقی، سرانجام پنج دیپلمات عراقی را به اتهام اقدام به مسموم کردن مخازن آب نیروهای آمریکایی اخراج نمودند. با این حال با طولانی شدن جنگ، ملک عبدالله تحت فشار افکار عمومی، جنگ آمریکا در عراق را تجاوز دانست و ضمن موافقت با برگزاری تظاهرات و راهپیماییهای مردمی علیه جنگ مذکور، بر خروج نیروهای مهاجم از عراق و ضرورت تشکیل هر چه سریع تر دولت جدید در عراق تأکید کرد.^۶

طرح خاورمیانه بزرگ و برنامه اصلاحات ملک عبدالله دوم

پس از حملات ۱۱ سپتامبر و تحولات پس از آن و آرایه طرح خاورمیانه بزرگ از سوی ایالات متحده و ضرورت انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی در کشورهای خاورمیانه ملک عبدالله در راستای تقویت هم گرایی خود با غرب، با استقبال از این طرح، تصمیم خود را برای انجام اصلاحات فراگیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اعلام نمود که هدف از این اصلاحات به گفته وی تبدیل اردن به پایتخت فوق پیشرفته خاورمیانه است.

در واقع مهم‌ترین بخش طرح فوق استفاده از فناوری روز و مدرن‌سازی نهادهای دولتی و آموزشی است که بر اساس آن ملک عبدالله چندین شرکت خصوصی را برای طراحی سیستمهای رایانه‌ای مراکز آموزشی و آموزش رایانه انتخاب کرده است. وی امیدوار است با تقویت پایه‌های فناوری مدرن در این کشور و تربیت و آموزش مردم، اقتصاد اردن در سالهای آینده به رشد فوق‌العاده‌ای دست یابد. با این وجود، برخی از کارشناسان معتقدند با توجه به مشکلات کنونی اردن و وضعیت نامناسب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشور، ارایه چنین طرح بلندپروازانه و دشواری هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. این کارشناسان معتقدند اگر طرح پیشنهادی ملک عبدالله منجر به بهبود وضعیت مردم در آینده بسیار نزدیک نشود، نارضایتیها افزایش و حمایت از پادشاه کاهش خواهد یافت. همچنین اعتراضات سیاسی بالا خواهد گرفت و فضای سیاسی جدید و پرتنش در این کشور به وجود خواهد آمد. به عبارت دیگر، بسیاری از منتقدان طرح اصلاحات گسترده ملک عبدالله با اشاره به وضعیت نابسامان اقتصادی این کشور اظهار داشته‌اند در کشوری که مردم مشکل معیشتی دارند و تامین نیازهای اولیه آنها اولویت دارد، سخن گفتن از اصلاحات و فناوری جدید گزافه‌گویی است. به رغم این اظهارات به اعتقاد این ناظران در مجموع، از طرح پیشنهادی ملک عبدالله می‌توان به عنوان نخستین گام پادشاه اردن در راه پیشبرد طرح پیشنهادی جورج بوش؛ یعنی خاورمیانه بزرگ، نام برد. بر همین اساس بود که در دیدار بوش با ملک عبدالله، رئیس‌جمهور آمریکا از اردن به عنوان رهبر منطقه‌ای طرح خاورمیانه بزرگ نام برد.^۷

جهت‌گیری و تحولات اقتصاد و تجارت خارجی اردن

ویژگیها، گرایش و تحولات اقتصادی اردن

اردن یکی از کوچک‌ترین کشورهای عربی در خاورمیانه است که منابع آبی و ذخایر نفتی محدودی دارد. اقتصاد بسیار کوچک اما آزاد اردن از سال ۱۹۹۶ سیستم تثبیت ارزش دینار در برابر دلار آمریکا را تجربه می‌کند. این امر موجب شده است که نرخ تورم در اردن

همچنان در سطحی نازل باقی بماند و کشور در برابر شوکهای اسمی مصون بماند، اما در برابر شوکهای ناشی از تغییر شرایط تجارت بین المللی به شدت آسیب پذیر شود. اقتصاد اردن به صدور مواد معدنی و اولیه و درآمدهای ارسالی از سوی کارگران مهاجر ساکن کشورهای خلیج فارس وابسته است. با این حال، طی سالهای اخیر به رغم افزایش قابل ملاحظه ارزش دلار و نامساعد بودن شرایط تجارت بین المللی، اردن توانسته است قابلیت رقابتی خود را حفظ کند. یک علت این امر، انعطاف پذیری بازار کار اردن و علل دیگر آن انجام اصلاحات ساختاری، انعقاد قرارداد تجارت آزاد با ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی و تهاتر نفت - کالا با عراق است. سرمایه گذاری خارجی در اردن اندک است، اما بانکهای بازرگانی به تدریج بر داراییهای خارجی خود افزوده اند. آهنگ افزایش داراییهای خارجی به ویژه در ادوار بی ثباتی کشور، بسیار سرعت می گیرد. فشارهای وارده بر دینار اردن از طریق دخالت بانک مرکزی در بازار ارز و تعدیل نرخ بهره کاهش می یابد. حجم ذخایر رسمی ناخالص اردن که در پایان سال ۲۰۰۲ برای ۹ ماه واردات کشور کفایت می کرد، از آسیب پذیری اردن در برابر شوکها می کاهد. ضمن اینکه تعدیلهای مالی که به تازگی انجام شده، موجب کاهش دیون بخش عمومی شده و فضا را برای سیاست گذاریهای ضد ادواری آماده ساخته است.^۸ با این حال همان طور که گفته شد توسعه نیافتگی و فقر اقتصادی، اردن را به شدت به کمکهای خارجی وابسته کرده است تا آنجا که بحران خلیج فارس و حمله عراق به کویت بسیاری از منافع اقتصادی این کشور را به خطر انداخت و تا حدی از کمکهای مالی اعراب به این کشور کاست. برنامه اصلاحات اقتصادی که ملک عبدالله دوم از سال ۱۹۹۹ در این کشور به اجرا گذاشت و آزادسازی بخشی از سرمایه های دولتی و همچنین پیوستن اردن به سازمان جهانی تجارت از ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی، تا حدودی موجب رونق اقتصادی این کشور گردید.^۹ با وجود تحولاتی که در چند سال اخیر در اقتصاد اردن به وجود آمده است، این کشور همچنان در ردیف کشورهای توسعه نیافته جهان قرار دارد. به طور کلی اقتصاد اردن متأثر از عواملی بوده است که به شرح ذیل می توان برشمرد:

۱. ضعف و ناتوانی راهبرد ملی اردن در مقایسه با کشورهای همسایه، سبب شده تا اقتصاد این کشور همواره متأثر از تحولات اقتصادی منطقه و جهان باشد و در نهایت نتواند یک برنامه ریزی اقتصادی مدت دار را به اجرا درآورد؛

۲. اقتصاد نقش اصولی در ثبات و امنیت داخلی اردن ایفا کرده و منابع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در تأمین هزینه‌های برنامه اقتصادی اردن طی چند سال گذشته نقش داشته‌اند، همواره امنیت، ثبات و تعادل اجتماعی اردن را مورد تهدید قرار داده‌اند؛

۳. به طور متوسط حدود ۶۵ درصد از تولید ناخالص داخلی اردن را بخش خدمات تشکیل می‌دهد. در این راستا بخش خصوصی بیشترین امکانات و نقش را به عهده دارد و دارای توان بالفعل بیشتری در زمینه مدیریت سرمایه‌گذاری نسبت به دولت است. در نتیجه می‌توان گفت بخش خصوصی، گرداننده چرخ اقتصاد اردن است.^{۱۰}

آخرین برنامه اقتصادی این کشور در دوران ملک حسین، برنامه چهار ساله ۱۹۹۷-۱۹۹۳ بود که طی آن، دولت اردن اقدام به اصلاح و وضع قوانین جدید اقتصادی نظیر قانون مالیات بر درآمد، تشویق سرمایه‌گذاران، مالیات بر فروش و دیگر موارد برای اصلاح خلل‌های وارده بر اقتصاد این کشور بر اساس بازار رقابتی نمود که موجب افزایش تأثیر توان اقتصادی و تولید کشور گردید. آخرین رخداد مهم اقتصادی و بین‌المللی در اواخر این دوره، دومین کنفرانس اقتصادی سران کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بود. در واقع، اردن به دلیل دو پارامتر کمبود منابع طبیعی و کوچک بودن حجم اقتصادی همواره متأثر از عوامل زیر بوده است:

۱. از نظر تاریخی به شدت تحت تأثیر پارامترهای خارجی قرار داشته است؛

۲. کمک‌های خارجی به خصوص کمک‌های آمریکا و کمک‌های بدون عوض کشورهای

عربی نقش مهمی در اقتصاد این کشور داشته است؛

۳. اموالی که توسط اردنی‌های مقیم کشورهای خارجی به داخل سرازیر گردیده است

به ویژه درآمد آن دسته از اردنی‌هایی که پیش از حمله عراق به کویت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مشغول به کار بوده‌اند، به عنوان یکی از منابع ارزی اصلی اردن قلمداد

می شده است. به دلیل دو پارامتر یاد شده، این کشور همواره سعی کرده است با ایجاد طرح‌های تولیدی از منابع طبیعی خود به نحو مطلوب بهره‌برداری کند. از این رو، ملاحظه می‌شود که بخش عمده‌ای از بودجه کشور به سمت سرمایه‌گذاری در توسعه شرکت‌های فسفات، پتاس و شرکت کود شیمیایی سوق داده شده است و به همین دلیل صادرات این کشور اغلب شامل تولیدات کشاورزی و کودهای شیمیایی مختلف به بازارهای خارج بوده است. صدور همین کالاها در فاصله سالهای ۸۲-۱۹۷۴ فاکتورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی این کشور را تشکیل داده‌اند، به طوری که در آن برهه رشد اقتصادی به ارزش ۱۰ درصد بیش از رشد کنونی، و سرمایه‌گذاری در آن دهه چهار برابر سرمایه‌گذاری در مقایسه با شرایط کنونی، و درآمد سرانه دو برابر درآمد کنونی بوده است.^{۱۱} به جرأت می‌توان گفت که به دلیل سرمایه‌گذاری گسترده دولت تنها مزیت اقتصاد اردن، تربیت نیروی کار بسیار ورزیده و متخصص است. بنابراین بخش خدماتی کشور از سطح نسبتاً بالایی برخوردار است و در مقابل، بخش صنعتی آن عقب مانده محسوب می‌شود. به معنای دیگر، اقتصاد اردن در درجه اول خدماتی است و بخش صنعت برپایه خدمات قرار دارد. به گفته مسئولان اردنی یکی از علل اصلی موافقت اردن با امضای پیمان صلح با اسرائیل این است که بدهیهای خارجی این کشور (حدود ۸ میلیارد دلار تا پایان سال ۱۹۹۳)، مشکل بیکاری (۱۸ تا ۲۰ درصد)، قطع کمکهای اقتصادی کشورهای عربی و غربی و به ویژه آمریکا فشار سنگینی را بر مردم این کشور آورده بود. به همین دلیل صلح را پذیرفتند به این امید که مردم شاهد رونق اقتصادی کشور باشند.^{۱۲}

اردن به طور کلی در صدد افزایش و گسترده‌تری اندازه بازار، افزایش تولید، پیشرفت کیفی و هماهنگی معیارهای داخلی با بالاترین معیارهای بین‌المللی است. برای رسیدن به این هدف، اردن دو برنامه را طراحی و به اجرا درآورده است:

یکی، برنامه «اصلاح ساختار اقتصادی» که از ۱۹۸۹ با کمک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول آغاز شده و در مراحل مختلف آن از کمک اتحادیه اروپا بهره‌مند شده است. دیگری، برنامه «تنوع اجتماعی» است که از اوایل ۱۹۹۷ آغاز شده و در آن کاهش فقر و

کشمکش منابع جامعه هدف قرار گرفته است. مقامات اردنی معتقدند که توسعه قابل قبول در اردن به رشد متناسبی در تولید همه بخشهای جامعه خواهد انجامید تا درآمدهای واقعی و بالا ایجاد شده و قدرت هزینه کردن در بازار اقتصادی افزایش یابد. در نتیجه این کوششها، بازار اردن درجه ای از گسترش را نشان می دهد. در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، اردن سالانه به طور متوسط رشدی با نرخ ۶/۶ درصد را تجربه کرد که بالاترین نرخ در منطقه بوده است. سرمایه گذاریها افزایش یافت و از ۲۲ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۳۳/۴ درصد در سال ۲۰۰۲ رسید که ۸۰ درصد کل سرمایه گذاری متعلق به بخش خصوصی بود. سرمایه گذاری به نرخ GDP بسیار بیشتر از آن است که دیگر ملتهای خاورمیانه و شمال آفریقا داشته اند.

شاید مهم ترین افتخار اردن در سالهای اخیر سیاست پولی ضد تورمی و تثبیت دینار در مقابل دلار باشد، به طوری که دینار اردن یکی از باثبات ترین ارزهای منطقه تلقی شده است و ذخایر ارز خارجی این کشور از سطح پایین خود در سال ۱۹۸۹ به یک میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ رسید. پس انداز داخلی نیز افزایش یافته و از نرخهای منفی سه سال پیش به ۱۴/۱ درصد GDP در سال ۱۹۹۶ رسید. نرخ بیکاری که در سال ۱۹۸۹، ۲۵ درصد بود، به ۱۵ درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش یافت. شاخصها نشان می دهد که این رقم در مورد بیکاری باز هم کاهش یافته و در سال ۱۹۹۷ به ۱۳ درصد رسیده است. موفقیت اصلاحات اقتصادی، اردن را از یکی از بدهکارترین ملل به کشوری تبدیل کرده که به بازارهای تازه متصل گردیده است. بنا به گزارش منابع رسمی کشور، روال کار در اردن به گونه ای است که این کشور از اهداف اصلاح ساختار اقتصادی پیشنهاد شده توسط صندوق بین المللی پول و بانک جهانی پیش افتاده است. در سال ۲۰۰۳، مجموع بدهی خارجی اردن به حدود ۸/۲ میلیارد دلار رسید. حکومت، کاهش بدهی خارجی را به ۹۰ درصد GDP در سال ۱۹۹۸ هدف گذاری کرد و این برنامه بسیاری از سرمایه گذاران چند ملیتی را جهت اقدام در فرصتهای سرمایه گذاری این کشور جذب کرد. برنامه اصلاحات اقتصادی نیز که ملک عبدالله دوم از سال ۱۹۹۹ در این کشور به اجرا گذاشته است و آزادسازی بخشی از سرمایه های دولتی و همچنین پیوستن اردن به

سازمان جهانی تجارت از ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی تا حدودی موجب رونق اقتصاد این کشور شده است. در چارچوب این اصلاحات دولت اقدام به خصوصی سازی شرکت ملی مخابرات، شرکت سهامی عام سیمان و همچنین برخی از خطوط هوایی ملی خود کرده است.^{۱۳}

تحولات شاخصهای اقتصادی اردن

بر اساس آمار و اطلاعات منتشر شده میزان تولید ناخالص داخلی اردن که در سال ۱۹۹۸ حدود ۳/۷ میلیارد دلار بود، در پایان سال ۱۹۹۹ به ۱۰ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۰۳ به ۲۳/۶۴ میلیارد دلار رسید. این در حالی است که میانگین رشد تولید ناخالص داخلی واقعی اردن در فاصله سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ حدود ۳/۶ درصد بود، ولی این میزان برای سال ۲۰۰۰ به ۴/۲ درصد و در سالهای ۲۰۰۳ - ۲۰۰۱ به ترتیب به ۴/۲، ۴/۹ و ۵/۳ درصد رسیده است. همچنین در سال ۲۰۰۳، ۳/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی اردن مربوط به تولیدات بخش کشاورزی، ۲۶ درصد مربوط به تولیدات صنعتی و ۷۲/۳ درصد مربوط به فعالیتهای خدماتی بوده است. سهم بخشهای مختلف در تولید ناخالص اردن نیز به ترتیب مربوط به خدمات دولتی (۲۰/۷ درصد)، مالی و بیمه (۱۹ درصد)، تولیدات کارخانه‌ای (۱۳/۴ درصد)، هتل داری و تجارت (۱۱/۶ درصد)، حمل و نقل و ارتباطات (۵/۴ درصد) و معدن و استخراج (۴/۲ درصد) می باشد. همچنین در سال ۲۰۰۲، اجزای تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی اردن را بخش خصوصی (۶۹/۵ درصد)، کالاهای صادراتی و خدمات (۵۰/۶ درصد)، کالاهای وارداتی و خدمات (۷۳/۶ - درصد) و سرمایه گذاری در بخش ساختمان (۸ - درصد) تشکیل داده اند.

درآمد سرانه اردن نیز که در سال ۱۹۹۸ بالغ بر ۱۴۷۸ دلار آمریکا بود، در ژانویه سال ۲۰۰۳ میلادی به حدود ۴۳۰۰ دلار رسید. با این حال هنوز هم حدود ۳۰ درصد از اردنی ها زیر خط فقر زندگی می کنند. نرخ تورم اردن نیز در حال حاضر حدود ۳ درصد است، در حالی که این کشور در سال ۱۹۹۹ میلادی تورمی در حدود ۴/۴ درصد را تجربه کرد. اردن در سال

۲۰۰۳ حدود یک میلیون و ۳۶۰ هزار نفر نیروی کار داشته است که ۱۲/۵ درصد از آنها در بخش صنعت، ۵/۱۰ درصد از آنها در بخش تجارت و خدمات سیاحتی، ۱۰ درصد در بخش ساختمان سازی، ۷/۸ درصد در بخش حمل و نقل و ارتباطات، ۴/۷ درصد در بخش کشاورزی و ۵۲ درصد در سایر بخشهای خدماتی مشغول به کار هستند. بر اساس این ارزیابیها نرخ رسمی بیکاری اردن در سال ۲۰۰۳ میلادی نیز حدود ۱۶ درصد اعلام شد، ولی برآورد می شود این کشور بیش از ۲۵ درصد نرخ بیکاری داشته باشد^{۱۴} (جدولهای ۱ تا ۳).

مقایسه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و خطرپذیری سیاسی اردن با برخی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

بر اساس بررسیهای به عمل آمده، میزان تولید ناخالص داخلی اردن از ۴/۲ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵/۵ درصد سال ۲۰۰۴ رسید و در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۵ میانگین رشدی معادل ۵/۹ درصد خواهد داشت. در مقایسه با سایر کشورها، چنان که جدول شماره ۴ نشان می دهد، میزان رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در اردن از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ همواره از متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای مغرب عربی (الجزایر، لیبی، موریتانی، مراکش و تونس) بیشتر بوده، ولی از متوسط کشورهای مشرق عربی شامل مصر، لبنان و سوریه و همچنین متوسط نرخ رشد کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه و کشورهای در حال توسعه کمتر بوده است. با این وجود، در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اردن از متوسط کشورهای مغرب عربی و متوسط کشورهای مشرق عربی و کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه بیشتر شده، ولی همچنان از متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای در حال توسعه کمتر بوده است. در مقایسه با کشورهای مناطق فوق نیز نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اردن در سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۵ از کشورهای لبنان، مراکش، لیبی و الجزایر بیشتر بوده و از کشورهای موریتانی، تونس، مصر و سوریه کمتر بوده است. همچنین پیش بینی می شود نرخ رشد تولید ناخالص داخلی اردن در سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۴ رو به افزایش نهد و از میانگین

کشورهای مغرب عربی، مشرق عربی و میانگین کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه و نیز از هریک از کشورهای یاد شده بیشتر شود، ولی در شرایط برابر با نرخ رشد متوسط کشورهای در حال توسعه قرار بگیرد.^{۱۵} همچنین مقایسه اجزای خطرپذیری سیاسی کشور اردن با برخی از کشورهای منطقه نشان می‌دهد این کشور از نظر ثبات با دولت لیبی در وضعیت برابر و نسبت به لبنان در رتبه بالاتر و نسبت به سوریه در رتبه پایین تر قرار دارد. از نظر شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز بالیبی برابر و نسبت به لبنان، ایران و سوریه در رتبه پایین تری قرار دارد. همچنین به لحاظ فساد و رشوه‌خواری نیز اردن از کلیه کشورهای فوق در رتبه بالاتری قرار دارد و به طور کلی از نظر خطرپذیری سیاسی نسبت به تمامی کشورهای فوق از رتبه بالاتری برخوردار است.^{۱۶} (جدول شماره ۵).

جهت‌گیری تجارت خارجی اردن

میزان صادرات و واردات

ارزش صادرات (کالایی) اردن در سال ۱۹۹۸، ۱/۷۸۹ میلیون دلار و در سال ۱۹۹۹، ۱/۸۱۸ میلیون دلار و در سال ۲۰۰۰، ۱/۸۸۵ میلیون دلار و در سالهای ۲۰۰۱ - ۲۰۰۳ به ترتیب ۲/۲۷۷ میلیون دلار و ۲/۷۱۱ میلیون دلار و ۲/۹۷۷ میلیون دلار بوده است. در واقع، صادرات کالا در سالهای اخیر رشد قابل توجهی یافته است، به نحوی که از میانگین رشد ۱/۸ - درصد در سال ۱۹۹۸ به ۲۰/۷ درصد در سال ۲۰۰۲ رسید. در سالهای ۲۰۰۰ - ۱۹۹۹ نیز میانگین رشد صادرات کالایی اردن به ترتیب ۱/۶، ۳/۷ و ۲۰/۸ بوده است که حکایت از جهش قابل توجه رشد صادرات این کشور در سال ۲۰۰۱ دارد. هرچند در سال ۲۰۰۳ نرخ فوق به شدت کاهش یافت و از ۲۰/۷ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۸/۳ درصد رسید. واردات (کالا) اردن نیز در سالهای ۲۰۰۳ - ۱۹۹۸ به ترتیب ۳/۸۰۰ میلیون دلار، ۳/۶۹۰ میلیون دلار، ۴/۵۶۳ میلیون دلار، ۴/۸۳۵ میلیون دلار، ۴/۹۸۲ میلیون دلار و ۵/۵۳۷ میلیون دلار بوده است. به عبارت دیگر، واردات کالا نیز در سالهای گذشته به تدریج افزایش یافته است و از نرخ رشد

۶/۷- درصد در سال ۱۹۹۸ به ۱۱/۱ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. بررسی دقیق تر آمارهای منتشر شده نشان می دهد که میانگین رشد واردات این کشور از ۲/۹- در سال ۱۹۹۹ به ۲۳/۷ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته و از جهش زیادی حکایت دارد. هرچند که در سالهای بعد یعنی سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به ترتیب به ۶/۰ درصد و ۳/۰ درصد کاهش یافته است. بر این اساس می توان گفت به طور کلی موازنه تجاری اردن در سالهای اخیر همواره منفی بوده است، یعنی در سالهای ۲۰۰۳- ۱۹۹۸ به ترتیب ۲/۰۱۱ میلیون دلار، ۱/۸۷۰- میلیون دلار، ۲/۶۷۸- میلیون دلار، ۲/۵۵۷- میلیون دلار بوده است^{۱۷} (جدول شماره ۶).

توزیع جغرافیایی (منطقه ای) صادرات و واردات اردن

بر اساس آمارهای منتشر شده، بیشترین صادرات اردن در سال ۲۰۰۳ به سمت کشورهای عضو منطقه تجارت آزاد عربی (GAFTA) و پس از آن کشورهای آسیایی غیر عرب و سپس سایر کشورهای عربی بوده است. همچنین کشورهای عضو اتحادیه اروپایی، کشورهای شمال آمریکا (NAFTA)، سایر کشورهای اروپایی، کشورهای آفریقایی غیر عرب و کشورهای آمریکای جنوبی در رده های بعدی قرار داشته اند. بازارهای هدف صادرات اردن در نیمه اول سال ۲۰۰۴ نیز به جز یک تغییر، به ترتیب فوق بوده است؛ به این معنی که صادرات به کشورهای شمال آمریکا در این دوره با رشد قابل ملاحظه ای همراه بوده است. در زمینه توزیع جغرافیایی واردات اردن نیز آمارهای انتشار یافته نشان می دهد در سال ۲۰۰۳ به ترتیب کشورهای آسیایی غیر عرب، کشورهای عضو اتحادیه اروپایی، کشورهای عضو منطقه تجارت آزاد عربی (GAFTA)، کشورهای شمال آمریکا، سایر کشورهای اروپایی و کشورهای آمریکای جنوبی بیشترین سهم را در واردات اردن داشته اند و در نیمه اول سال ۲۰۰۴ نیز با یک تغییر که مربوط به رشد قابل توجه واردات از کشورهای عضو منطقه تجارت آزاد عربی بوده است، توزیع جغرافیایی واردات اردن به ترتیب فوق بوده است^{۱۸} (جدول شماره ۷).

شرکای عمده تجاری اردن در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳

در سال ۲۰۰۲ بیشترین صادرات اردن به کشورهای عراق (۲۰ درصد)، آمریکا (۱۹/۶ درصد)، هند (۱۰/۳ درصد)، عربستان (۶/۸ درصد)، اسرائیل (۵/۶ درصد)، امارات (۳/۶ درصد)، لبنان (۲/۲ درصد)، چین (۲/۱ درصد)، و الجزایر (۲ درصد) بوده است و کشورهای کویت، سودان، پاکستان، قطر و فلسطین در رده‌های بعدی شرکای اردن در حوزه صادرات کالا بوده‌اند. در سال ۲۰۰۳ نیز شرکای عمده اردن را در حوزه صادرات کالا، کشورهای آمریکا (۲۸/۵ درصد)، عراق (۱۳/۵ درصد)، هند (۸/۶ درصد)، عربستان (۶/۶ درصد)، اسرائیل (۴ درصد)، امارات (۴ درصد)، سوریه (۳/۹ درصد) و الجزایر (۲/۵ درصد) تشکیل داده‌اند و کشورهای لبنان، کویت، چین، اندونزی، سودان، جمهوری اسلامی ایران و قطر در رده‌های بعدی واردکنندگان کالا از این کشور قرار گرفته‌اند^{۱۹} (جدول شماره ۸).

بر اساس آمارهای منتشر شده توسط وزارت صنایع و تجارت اردن در سال ۲۰۰۲ کشورهای عراق، آلمان، آمریکا و چین به ترتیب با اختصاص سهمی معادل ۱۴/۷، ۹/۳، ۷/۳ و ۶/۷ درصد از صادرات خود به اردن در رده اول تا پنجم صادرکنندگان و شرکای اصلی اردن در زمینه واردات این کشور بوده‌اند و کشورهای فرانسه، انگلیس، ایتالیا، ژاپن، عربستان، کره جنوبی، اسرائیل، ترکیه، تایوان، آرژانتین و سوریه در رده‌های ششم تا پانزدهم قرار داشته‌اند. در سال ۲۰۰۳ نیز بیشترین واردات اردن به ترتیب از کشورهای چین (۸/۱ درصد)، آلمان (۷/۸ درصد)، آمریکا (۶/۴ درصد)، عربستان (۵/۳ درصد) و ایتالیا (۳/۸ درصد) بوده است و کشورهای عراق، انگلیس، ژاپن، فرانسه، سوریه، کره جنوبی، ترکیه، اسرائیل و آرژانتین در رده‌های بعدی کشورهای صادرکننده کالا به کشور اردن قرار داشته‌اند^{۲۰} (جدول شماره ۹).

جهت‌گیری و تحولات سیاستها و مقررات صادراتی و وارداتی اردن

علاوه بر آنچه که گفته شد، اردن در راستای توسعه روابط تجاری خود در سالهای اخیر اقدام به اصلاح مقررات صادرات و واردات خود در راستای کاهش موانع غیر تعرفه‌ای

و کاهش و حذف موانع تعرفه‌ای نموده است که در ادامه، این سیاستها به طور اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

چارچوب سیاست تجاری تعرفه‌ای اردن

با عضویت اردن در سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۰ تعرفه‌های گمرکی این کشور کاهش یافت و همچنین طبقه‌بندی تعرفه‌ای نیز به شش طبقه محدود گردید. متوسط وزنی تعرفه‌ها از ۲۴/۱ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۱۶/۷ درصد در سال ۱۹۹۶ و ۱۱/۸ درصد در سال ۲۰۰۲ کاهش یافت و بدین ترتیب سهم عوارض گمرکی در درآمدهای دولتی از ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۱۰ درصد در سال ۱۹۹۵ و کمتر از ۵ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. از اول ژانویه ۱۹۹۷ حداکثر میزان تعرفه‌های گمرکی این کشور — به جز در مورد مشروبات الکلی و سیگار — ۴۰ درصد بوده که از سپتامبر ۱۹۹۹ به ۳۵ درصد و در سال ۲۰۰۰ به ۳۰ درصد کاهش یافته است. با این وجود، این کشور عوارض ترکیبی خود (ارزشی و خاص) را بر موز، انگور، سیب، گاو، گوسفند و بز حفظ کرده و قصد ندارد آنها را حذف کند. در مجموع، متوسط ساده نرخ تعرفه‌ها ۱۵ درصد و حدود ۱۹ درصد نرخ تعرفه‌ها بین صفر تا ۵ درصد است.

با عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی بیشتر عوارض، مالیات‌ها و هزینه‌های گمرکی بر واردات حذف شده است. با وجود این، هنوز بر اتومبیل و اجناس لوکس، مالیات‌های اضافی فروش وضع می‌شود که البته این ارقام در سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. در این کشور سهمیه‌های تعرفه‌ای بر کالا اعمال نمی‌شود و معافیت‌های تعرفه‌ای بر کالاهای اساسی، مواد غذایی ضروری، محصولات پزشکی و محصولات سرمایه‌ای و تجهیزات کشاورزی و صنعتی اعمال می‌شود. طبق قانون جدید گمرکی مصوب ۱۹۹۸ این کشور، کلیه معافیت‌های عوارض وارداتی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی حذف شده است. ۱۰ درصد شرکت‌هایی که با دولت موافقت‌نامه امضا کرده‌اند یا در زمان تاسیس امتیاز گرفته‌اند، استثناء هستند که البته پس از مدتی لغو خواهد شد. مطابق قوانین سازمان تجارت جهانی، سیستم صدور مجوز با پذیرش

موافقت نامه صدور مجوز این سازمان به صورت خود کار در آمده است و تقریباً مجوز ورود لازم نیست. محصولات وارداتی باید با الزامات برچسب زنی و مارک گذاری کالا که از سوی مؤسسات استاندارد ملی وضع می شود، مطابقت داشته باشد (مقررات خاص آن با توجه به نوع کالا وضع می شود). این کشور همچنین عضو کنوانسیون پاریس و برن بوده و حقوق مالکیت فردی را رعایت می کند.^{۲۱}

وضعیت تعرفه های ترجیحی با کشورهای دیگر

با توجه به توافق نامه تجارت آزاد با آمریکا (اجرای شده در سال ۲۰۰۱) اردن می تواند تولیدات مناطق ویژه صنعتی خود را بدون عوارض گمرکی و مالیات بدون شرط و سقف معین به بازار آمریکا صادر نماید. میزان صادرات اردن بر اساس توافق نامه مزبور در سال ۲۰۰۳ (ژانویه - اکتبر) ۳۰۵ میلیون دلار بوده است. همچنین بر اساس توافق نامه منطقه تجارت آزاد عربی (اجرای شده در سال ۱۹۹۸) حذف تدریجی عوارض گمرکی تا سال ۲۰۱۰ و طبق تعهدات اردن به سازمان تجارت جهانی (اجرای شده از سال ۲۰۰۰) کاهش تدریجی عوارض گمرکی تا سال ۲۰۱۰ به ۲۰ درصد پیش بینی شده است. بنابر توافق نامه شرکت با اروپا (اجرای شده در سال ۲۰۰۲) منطقه آزاد تجاری با اتحادیه اروپا طی مدت انتقالی ۱۲ سال (۲۰۱۰) تاسیس خواهد شد. بنابراین، ویژگی مشترک توافق نامه های مزبور کاهش عوارض گمرکی (WTO) و حذف کامل بر اساس توافق نامه های دیگر است. علاوه بر این، اردن با برخی از کشورهای دارای توافق نامه تعرفه های ترجیحی و رفع موانع گمرکی است؛ مانند توافق نامه اردن و کویت که بر اساس آن تمامی محصولات کشاورزی و دامی، صنعتی و طبیعی ساخته شده در دو کشور از هر گونه عوارض گمرکی، مالیات و عوارض معاف خواهند شد. روز اول امضای توافق نامه، ۶۰ درصد و از آغاز سال ۲۰۰۳ میلادی ۸۰ درصد و از ابتدای سال ۲۰۰۴ میلادی ۱۰۰ درصد کالاهای دو کشور از موانع گمرکی و غیر گمرکی کاملاً معاف خواهند بود.^{۲۲}

موافقت نامه‌های دو جانبه و منطقه‌ای

همان طور که اشاره شد، اردن عضو تعداد زیادی از سازمانهای تخصصی چند جانبه نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان جهانی مالکیت معنوی است و در برخی از سازمانها و موسسات منطقه‌ای نظیر بانک توسعه اسلامی و صندوق پول عربی نیز عضو است. همچنین این کشور با کشورهای متعددی موافقت نامه تجارت آزاد و یا موافقت نامه ترجیحات تجاری امضا کرده و با کشورهای نظیر آلمان، فرانسه، ترکیه، سوئیس و مالزی موافقت نامه دوجانبه تشویق سرمایه گذاری امضا کرده است. اردن از سال ۱۹۹۸ به همراه مصر، عراق، موریتانی، لیبی، سوریه و یمن عضو بازار مشترک عربی و از سال ۱۹۹۸ عضو موافقت نامه منطقه تجارت آزاد عربی است. همچنین با کشورهای مصر، بحرین و آمریکا موافقت نامه تجارت آزاد با تعرفه‌های صفر دارد. علاوه بر این، با اتحادیه اروپا نیز موافقت نامه همکاری امضا کرده که به صورت فصلی دسترسی ترجیحی به برخی محصولات اروپا را ممکن می سازد. همچنین در قالب موافقت نامه‌های دوجانبه اروپا با کشورهای حوزه دریای مدیترانه، موافقت نامه شراکت با این اتحادیه امضا کرده که ظرف مدت ۱۲ سال (تا سال ۲۰۱۰) منطقه تجارت آزاد بین دوطرف ایجاد خواهد شد.^{۲۳}

سرمایه گذاری

در سالهای اخیر اردن کوشیده است که سرمایه گذاری خارجی و داخلی را در کشور تشویق نماید. از این رو، دولت قانون تشویق سرمایه گذاری را در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسانده است. اجرای این قانون به شرکت تشویق سرمایه گذاری که هویت مالی و اداری مستقلی دارد، واگذار شده است. رئیس عمده قانون سرمایه گذاری بدین ترتیب است:

- قانون سرمایه گذاری تاکید می کند که با سرمایه گذاران غیر اردنی همانند سرمایه گذاران اردنی رفتار نماید؛

- قانون مزبور سرمایه گذاری در بخشها و شاخه‌های وابسته زیر را تشویق می کند:

صنعت، کشاورزی، هتلداری، بیمارستان، حمل و نقل دریایی و راه آهن.
- هیأت وزیران مختار است که بخشهای دیگری نیز به موارد بالا اضافه نماید.

اردن به سه منطقه تقسیم شده است (A, B, C) که این تقسیم بندی وابسته به درجه توسعه اقتصادی آنهاست. طرحهای مختلف تشویق سرمایه گذاری به محل استقرار آنها بستگی دارد.^{۲۴} قانون جدید سرمایه گذاری اردن تاکید می کند که سرمایه گذاران غیر اردنی از شرایط و امکانات مساوی همچون سرمایه گذاران اردنی استفاده خواهند کرد. اگرچه ممکن است سرمایه گذاران غیر اردنی همه یا بخشی از فعالیتهای اقتصادی را در اردن تقبل نمایند، با این حال نمی توانند بیش از ۵۰ درصد در بخشهای زیر سهم داشته باشند: مقاطعه کاری ساختمان، ترابری زمینی و هوایی، تجارت و خدمات بازرگانی، بانکداری و بیمه، ارتباطات، بخش معدن و تولید کشاورزی. بر اساس این برنامه، هیچ حداقلی برای سرمایه گذاری در اردن جهت سرمایه گذاران خارجی در نظر گرفته نشده است. اگر در تسویه حسابهای یک سرمایه گذار اختلافی پیش آید، این اختلاف نمی تواند بین سرمایه گذار غیر اردنی و مقامات اردنی بیش از شش ماه ادامه یابد. از این رو، در صورت عدم حل مشکلات باید به مرکز بین المللی حل اختلافات سرمایه گذاری رجوع شود. یک سرمایه گذار غیر اردنی می تواند سرمایه اصلی خود را به هر ارزی که مایل باشد، به خارج از کشور منتقل نماید. همچنین این حق، برگشتی ها و سودهای حاصل از فروش یا نقد کردن سرمایه گذاری را نیز شامل می شود. سرمایه گذاری در بازار مالی امان به طور جداگانه در قانون تشویق سرمایه گذاری مورد توجه قرار گرفته است. غیر اردنی ها نمی توانند بیش از ۵۰ درصد سهام هر شرکت را در بازار مالی امان داشته باشند، مگر به ترتیبی که قبلاً توضیح داده شد.^{۲۵}

نتیجه گیری

در سالهای اخیر راهبردهای اقتصادی و تجاری خارجی اردن هماهنگ با سیاست خارجی این کشور به سمت هم گرایی بیشتر با نظام بین الملل و غرب متمایل شده است. همان

طور که ملاحظه شد، اگرچه سیاست خارجی این کشور از زمانهای پیشتر (۱۹۴۸) نسبت به سایر کشورهای عربی گرایش بیشتری به غرب پیدا کرد و در مقایسه با اکثر این کشورها در مقابل اسرائیل سازش بیشتری نشان داده است و روابط این کشور با کشورهای عربی (به دنبال درگیریهای سخت نیروهای ملک حسین با سازمان آزادی بخش فلسطین و کشتار فلسطینی‌ها در سال ۷۱-۱۹۷۰) پس از طی یک دوره بحرانی بار دیگر به حالت عادی درآمد، اما در سالهای بعد با امضای موافقت‌نامه پیمان صلح با دولت اسرائیل، بهبود روابط با مصر و سازش با اسرائیل و برقراری روابط پنهانی با این رژیم و به ویژه در سالهای اخیر هم‌گامی با غرب در جریان بحرانهای کویت، حوادث ۱۱ سپتامبر و به خصوص استقبال از طرح خاورمیانه بزرگ به هم‌گرایی بیشتری با نظام بین‌الملل و غرب متمایل شده است. از سوی دیگر، چنان‌که ملاحظه شد، به موازات تحولات فوق در سیاست خارجی اردن، پادشاه و دولتمردان این کشور در سالهای اخیر نه تنها با اتخاذ برنامه‌ها و انجام برخی اصلاحات اقتصادی، اصلاح ساختارها، اتخاذ سیاستهای معطوف به اقتصاد بازار و خصوصی‌سازی، زمینه‌های همکاری و تعامل بیشتر اقتصادی با نظام بین‌الملل را فراهم آوردند، بلکه با ایجاد دگرگونی در نظام تجارت خارجی خود به ویژه از طریق کاهش و حذف موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای در تجارت خارجی، انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری آزاد با آمریکا و اروپا، امضای قرارداد ترجیحات تعرفه‌ای و سرمایه‌گذاری متقابل با برخی کشورهای دیگر و عضویت در سازمان تجارت جهانی و تعداد زیادی از سازمانهای تخصصی چندجانبه و برخی اتحادیه‌های منطقه‌ای و همچنین تلاش و ایجاد برنامه‌های مختلف به منظور جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، علاوه بر اینکه درصدد افزایش و گسترش اندازه بازار، افزایش تولید، پیشرفت کیفی و هماهنگی معیارهای داخلی با بالاترین معیارها و استانداردهای بین‌المللی بوده‌اند، به علاوه در پی برقراری هم‌گرایی میان راهبردهای اقتصادی و تجاری و سیاست خارجی خود به منظور هم‌گرایی در روابط خارجی این کشور با دیگر کشورها و به ویژه غرب می‌باشند.

از این رو با توجه به آنچه که گفته شد، می‌توان ادعا کرد در سالهای آینده نیز برنامه‌ها

واقدامات اردن در حوزه سیاست خارجی در راستای نزدیکی بیشتر به غرب و گام برداشتن در چارچوب تعاملات حاکم بر نظام بین الملل باشد و متأثر از این تحول، سیاستهای اقتصادی و تجاری این کشور نیز هم‌نوا با راهبرد سیاست خارجی در این مسیر حرکت خواهد کرد.

جدول ۱ - شاخصهای اقتصادی اردن در سال ۲۰۰۳

میزان تولید ناخالص ملی	۵/۲ میلیارد دلار
میزان تولید ناخالص داخلی (بر اساس برابری قدرت خرید)	۲۳/۶ میلیارد دلار
میزان رشد تولید ناخالص داخلی	۳/۱ درصد
سرانه تولید ناخالص داخلی (بر اساس برابری قدرت خرید)	۴۳۰۰ دلار
میزان تورم	۳/۵ درصد
سهم بخشهای مختلف اقتصادی در تولید ناخالص داخلی	کشاورزی (۳/۷ درصد)، صنعت (۲۶ درصد)، خدمات (۷۰/۳ درصد)
واحد پول ملی و ارزش برابری آن (۲۰۰۳)	دینار (هر یک دلار آمریکا = ۰/۷۱ دینار اردن)
تعداد نیروی کار و سهم اشتغال در بخشهای اقتصادی	۱/۲ میلیون نفر (کشاورزی ۵ درصد، صنعت ۱۲/۵ درصد، خدمات ۸۲/۵ درصد)
میزان بیکاری	۱۶ درصد
ظرفیت تولید انرژی الکتریکی	۷/۰۹ میلیارد کیلو وات ساعت
ذخایر معدنی	فسفات، پتاس، مس، سنگ آهن
محصولات کشاورزی	گندم، تنباکو، زیتون، میوه و سبزیجات
تولیدات صنعتی	سیمان، سیگار، چرم، کبریت، مصنوعات دستی

World Factbook 2004

منبع:

جدول ۲ - سهم بخشهای مختلف اقتصادی در
تولید ناخالص داخلی اردن در سال ۲۰۰۲

درصد	نام بخش
۲۰/۷	خدمات دولتی
۱۹	مالیه، بیمه و غیره
۱۳/۴	تولیدات کارخانه‌ای
۱۱/۶	هتلداری و تجارت
۵/۴	حمل و نقل و ارتباطات
۴/۲	معدن و استخراج
۱۰۰	جمع کل

جدول ۳ - اجزای تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی اردن در سال ۲۰۰۲

درصد	نام
۶۹/۵	بخش خصوصی
۵۰/۶	کالاهای صادراتی و خدمات
۲۹/۲	سرمایه گذاری ثابت
۲۵	منصرف دولتی
۸	سرمایه گذاری در بخش ساختمان
- ۷۳/۶	کالاهای وارداتی و خدمات
۱۰۰	جمع کل

World Factbook 2004

منبع:

جدول ۴- نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در اردن در مقایسه با برخی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (درصد)

نام کشور	متوسط ۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	پیش بینی ۲۰۰۳	پیش بینی ۲۰۰۴	متوسط پیش بینی ۲۰۰۵-۸
متوسط کشورهای مغرب عربی:	۲/۸	۲/۳	۳/۶	۲/۷	۵/۷	۳/۸	۴/۵
الجزایر	۳/۲	۲/۲	۲/۶	۴/۱	۵/۹	۳/۸	۴
لیبی	۱/۳	۲/۲	۰/۵	-۰/۲	۵/۶	۲/۸	۳/۵
موریتانی	۴/۶	۵/۲	۴	۳/۳	۵/۴	۶/۱	۷/۱
مراکش	۲	۱	۶/۳	۳/۲	۵/۵	۳/۴	۴/۹
تونس	۵/۱	۴/۷	۴/۹	۱/۷	۵/۵	۵/۸	۶/۲
متوسط کشورهای مشرق عربی:	۴/۶	۳/۹	۴	۲/۳	۲/۵	۳/۱	۴/۴
مصر	۵/۲	۵/۱	۳/۵	۲	۲/۸	۳	۴/۷
اردن	۳/۶	۴/۲	۴/۲	۴/۹	۵/۳	۵/۵	۵/۹
لبنان	۲/۳	-۵/۰	۲	۲	۲	۳	۳
سوریه	۳/۷	۰/۶	۷/۲	۴/۷	۱	۲/۹	۳/۳
نرخ رشد متوسط کشورهای شمالی آفریقا و خاورمیانه	۳/۸	۴/۳	۳/۹	۳/۶	۵	۴/۳	۴/۶
نرخ رشد متوسط کشورهای در حال توسعه	۵/۳	۵/۷	۴/۱	۴/۶	۵	۵/۶	۵/۹

منبع:

Middle East and North Africa Regional outlook, September 2003.

جدول شماره ۵- رتبه‌بندی مقایسه‌ای خطرپذیری سیاسی اردن و برخی کشورهای منطقه خاورمیانه عربی و شمال آفریقا

نام کشور	ایران	اردن	سوریه	لیبی	لبنان
اجزای خطرپذیری سیاسی و حد مطلوب					
ثبات دولت ۱۲	۷	۱۰	۱۰/۵	۱۰	۸/۵
شرایط اقتصادی و اجتماعی ۱۲	۵/۵	۴/۵	۵/۵	۴/۵	۶
ترکیب سرمایه ۱۲	۶	۹/۵	۶/۵	۹	۹
برخوردهای داخلی ۱۲	۸/۵	۹	۱۱/۵	۱۱/۵	۸
برخوردهای خارجی ۱۲	۸/۵	۱۰	۸/۵	۱۰	۷
فساد و رشوه‌خواری ۶	۲	۳	۲	۲	۱
دخالت ارتش در سیاست ۶	۵	۵	۲	۳	۲
تنشهای مذهبی ۶	۲	۳	۵	۴	۲/۵
نظم و قانون ۶	۴	۴	۵	۴	۴
تنشهای قومی ۶	۴/۵	۵	۶	۲	۵
پاسخگویی دولت به مردم ۶	۳	۴/۵	۱	۱	۵
کیفیت بوروکراسی ۴	۲	۲	۱	۱	۲
مجموع امتیازات ۱۰۰	۵۸	۶۹/۵	۶۴/۵	۶۲	۶۰

منبع:

International Country Risk Guide (PRS), September 2003

جدول شماره ۶ - میزان و میانگین رشد صادرات و واردات اردن
(۱۹۹۸ - ۲۰۰۳)

موازنه (میلیون دلار)	واردات		صادرات		سال
	میانگین رشد (درصد)	ارزش (میلیون دلار)	میانگین رشد (درصد)	ارزش (میلیون دلار)	
-۲/۰۱۱	-۶/۴	۳/۸۰۰	-۱/۸	۱/۷۸۹	۱۹۹۸
-۱/۸۷۰	-۲/۹	۳/۶۹۰	۱/۶	۱/۸۱۸	۱۹۹۹
-۲/۶۷۸	۲۳/۷	۴/۵۶۳	۳/۷	۱/۸۸۵	۲۰۰۰
-۲/۵۵۷	۶/۰	۴/۸۳۵	۲۰/۸	۲/۲۷۷	۲۰۰۱
-۲/۲۳۳	۳/۰	۴/۹۸۲	۲۰/۷	۲/۷۱۱	۲۰۰۲
-۲/۵۶۰	۱۱/۱	۵/۵۳۷	۸/۳	۲/۹۷۷	۲۰۰۳

منبع: وزارت صنایع و تجارت اردن (۲۰۰۴)

جدول شماره ۷- توزیع جغرافیایی صادرات و واردات اردن
(سال ۲۰۰۳ و نیمه اول سال ۲۰۰۴)

واردات (درصد)		صادرات (درصد)		منطقه
نیمه اول ۲۰۰۴	۲۰۰۳	نیمه اول ۲۰۰۴	۲۰۰۳	
۳۰	۱۷/۵	۴۱/۳	۳۶/۳	کشورهای عضو منطقه تجارت آزاد عربی (GAFTA)
۰/۱	۰/۵	۵/۴	۷/۵	سایر کشورهای عربی
۲۴/۳	۲۶/۵	۳	۳/۴	کشورهای عضو اتحادیه اروپایی
۳	۳/۸	۰/۷	۱/۳	سایر کشورهای اروپایی
۷	۶/۸	۲۷/۵	۲/۷	کشورهای شمال آفریقا (NAFTA)
۱/۹	۲/۹	۰/۰۷	۰/۱	کشورهای آمریکای جنوبی
۳۰/۲	۲۸/۸	۱۶/۱	۲۱/۶	کشورهای آسیایی غیر عرب
۰/۷	۰/۶	۴	۰/۸	کشورهای آفریقایی غیر عرب
۱/۴	۱۲/۵	۱/۸	۰/۴	سایر کشورها

منبع: وزارت صنایع و تجارت اردن (۲۰۰۴)

جدول ۸- شرکای عمده تجاری اردن در صادرات کالا (۲۰۰۲-۲۰۰۳)

۲۰۰۳				۲۰۰۲			
ردیف	کشور	ارزش (میلیون دلار)	درصد نسبت به کل صادرات	ردیف	کشور	ارزش (میلیون دلار)	درصد نسبت به کل صادرات
۱	آمریکا	۶۵۵	۲۸/۵	۱	عراق	۴۳۶	۲۰
۲	عراق	۳۱۰	۱۳/۵	۲	آمریکا	۴۲۵	۱۹/۶
۳	هند	۱۹۷	۸/۶	۳	هند	۲۲۳	۱۰/۳
۴	عربستان	۱۵۲	۶/۶	۴	عربستان	۱۴۷	۶/۸
۵	اسرائیل	۹۳	۴	۵	اسرائیل	۱۲	۵/۶
۶	امارات	۹۳	۴	۶	امارات	۷۹	۳/۶
۷	سوریه	۸۹	۳/۹	۷	سوریه	۶۵	۳
۸	الجزایر	۵۷	۲/۵	۸	لبنان	۴۸	۲/۲
۹	لبنان	۴۴	۱/۹	۹	چین	۴۵	۲/۱
۱۰	کویت	۳۷	۱/۶	۱۰	الجزایر	۴۴	۲
۱۱	چین	۳۷	۱/۶	۱۱	کویت	۳۴	۱/۶
۱۲	اندونزی	۲۶	۱/۲	۱۲	سودان	۳۲	۱/۵
۱۳	سودان	۲۶	۱/۲	۱۳	پاکستان	۳۰	۱/۴
۱۴	ایران	۲۶	۱/۲	۱۴	قطر	۲۶	۱/۲
۱۵	قطر	۲۴	۱/۱	۱۵	فلسطین	۲۳	۱/۱
	جمع	۱۸۶۷			جمع	۱۷۸۵	
	نسبت به کل صادرات		۸۱/۴		نسبت به کل صادرات		۸۱/۹

منبع:

Department of Statistics, Analysis of MIT (Ministry of Industry and Trade)

جدول ۹- شرکای عمده تجاری اردن در واردات کالا (۲۰۰۲-۲۰۰۳)

۲۰۰۳				۲۰۰۲			
درصد نسبت به کل واردات	ارزش (میلیون دلار)	کشور	ردیف	درصد نسبت به کل واردات	ارزش (میلیون دلار)	کشور	ردیف
۸/۱	۴۵۱	چین	۱	۱۴/۷	۷۳۲	عراق	۱
۷/۸	۴۳۳	آلمان	۲	۷/۳	۴۶۰	آلمان	۲
۶/۴	۳۵۶	آمریکا	۳	۷/۳	۳۶۱	آمریکا	۳
۵/۳	۲۹۴	عربستان	۴	۶/۷	۳۳۱	چین	۴
۳/۸	۲۱۳	ایتالیا	۵	۴/۲	۲۰۷	فرانسه	۵
۳/۶	۲۰۲	عراق	۶	۳/۷	۱۸۵	انگلیس	۶
۳/۵	۱۹۷	انگلیس	۷	۳/۵	۱۷۶	ایتالیا	۷
۳/۵	۱۹۷	ژاپن	۸	۳/۲	۱۵۶	ژاپن	۸
۳/۲	۱۷۹	فرانسه	۹	۲/۹	۱۴۳	عربستان	۹
۲/۷	۱۵۲	سوریه	۱۰	۲/۶	۱۳۱	کره جنوبی	۱۰
۲/۶	۱۴۲	کره جنوبی	۱۱	۲/۵	۱۲۴	اسرائیل	۱۱
۲/۵	۱۳۷	ترکیه	۱۲	۲/۵	۱۲۲	ترکیه	۱۲
۲/۴	۱۳۶	تایوان	۱۳	۲/۲	۱۰۹	تایوان	۱۳
۲/۳	۱۲۹	اسرائیل	۱۴	۲	۹۷	آرژانتین	۱۴
۱/۷	۹۷	آرژانتین	۱۵	۱/۹	۹۶	سوریه	۱۵
	۳۳۲۱	جمع			۳۴۳۹	جمع	
۵۹/۴	نسبت به کل واردات			۶۹	نسبت به کل واردات		

منبع:

Department of Statistics, Analysis of MIT (Ministry of Industry and Trade)

پاورقیها:

۱. محمد رضا مناقبتی، اردن، تهران: دفتر مطالعات سیاسی - بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۳.
 ۲. همان، ص ۸۲.
 ۳. همان، ص ۷۸.
 ۴. همان، ص ۸۰.
 ۵. همان، ص ۸۱.
 ۶. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در اردن.
 ۷. اشکان خواجه نوری، «اجرای طرح آزمایشی خاورمیانه بزرگ در اردن»، روزنامه شرق، ۸۳/۱/۱۷.
 ۸. عبدالعلی جبلی، «سیستم‌های ارزی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، ترجمه و تلخیص ف.م هاشمی، روزنامه یاس نو، ۸۲/۹/۹.
 ۹. کامران نرجه، بازارشناسی کشورهای اسلامی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۰، جلد ۱، ص ۵۴.
 ۱۰. محمد رضا مناقبتی، پیشین، ص ۳۸؛ جهت مطالعه بیشتر، ر.ک:
Jordan Country Report on Economic Policy and Trade Practices Released by the Bureau of Economic & Business Affairs U.S Department of State, February 2002.
 ۱۱. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در اردن.
 ۱۲. همان.
 ۱۳. همان.
14. World Factbook, 2004, Jordan.
۱۵. محمدرضا عابدینی، «بررسی تجارت خارجی ایران و کشورهای خارجی (اردن، سوریه، لبنان، لیبی) به همراه شناسایی زمینه‌های همکاری تجاری دوجانبه»، (طرح پژوهشی)، تهران: مؤسسه اطلاعات و پژوهشهای بازرگانی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۳، ص ۶.
 ۱۶. همان، ص ۸.
 ۱۷. وزارت الصنایع و التجاره الاردنیه، نشره الصنایع و التجاره و الاستثمار، الجلد الاول، العدد رابع، کانون اول، ۲۰۰۳، ص ۶.
 ۱۸. المصدر السابق، العدد ۲/۱، کانون ثانی، ۲۰۰۴، ص ۸.
 ۱۹. المصدر السابق، ص ۶.
 ۲۰. المصدر السابق، العدد ۷، تموز، ۲۰۰۴، ص ۱۲.
 ۲۱. جمعی از پژوهشگران، «پیامدهای بازرگانی برقراری ترجیحات تجاری میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی»، (طرح پژوهشی)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱.
 ۲۲. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در اردن.
 ۲۳. جمعی از پژوهشگران، پیشین، ص ۱۴۲.
 ۲۴. اداره کل بازرگانی کشورهای عربی - آفریقایی سازمان توسعه تجارت ایران، گزارش روابط اقتصادی و

بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و اردن ۱۳۸۳.

۲۵. همان؛ همچنین ر. ک: سایت وزارت برنامه ریزی و همکاریهای بین‌المللی، و وزارت صنعت و تجارت

اردن:

- <http://www.jftp.gov.jo>

- <http://www.mop.gov.jo>